

جهان پس از مرگ در آیین های توحیدی

مفهوم بهشت و دوزخ که از ضوابط بنیادی آیین های توحیدی است و نقش بسیار مهمی در زندگی روزمره مسیحیان و مسلمانان دارد، به خلاف آنچه منطقا انتظار میتوان داشت در هر کدام از این سه آیین بادوتای دیگر متفاوت است و درک چنین تضادی در برداشتهای ماوراء الطبیعه سه آیینی که خدای مشترک و بنابراین حقایق مذهبی مشترک دارند از دیرباز برای بسیاری از مفسران مذهبی دشوار بوده است، زیرا که در یکی از این آیین ها اساسا وجود بهشت و دوزخ منظور نشده است و آنچه هم که امروز در این زمینه در آن وجود دارد بعدها و آنهم بصورتی کاملا مبهم بدان افزوده شده است، در دیگری فقط از دوزخ بصورتی کما بیش مشخص سخن میرود و بهشت ماهیتی صرفا معنوی دارد که از آن توصیف روشنی بعمل نیامده است، در سومی بطور مشخص بهشت به صورت باغی پهناور و همیشه سرسبز و پر از جوی های شیر و عسل و شراب ظهور و درختان میوه دار و حوریان و غلامان بهشتی و جهنم به صورت سیاهچالی آتشین و آکنده از شیاطین تازیانه بر دست و آب جوشان و غذای چرکین و درخت زقوم توصیف شده است.

در آیین یهود، چنانکه قبلا گفته شد، تازمان اسارت بابلی یهودیان در قرن ششم پیش از میلاد مسیح اصولا برداشت مشخصی از زندگی در جهان دیگر و طبعاً از بهشت یا جهنم وجود نداشت و ارواح مردگان جملگی در مکان تاریک و سرد و خاموش بنام شنول میزیستند که قلمرو ظلمت و سکوت بود و در محلی در زیر زمین، یا در ژرفنای اقیانوس نامتناهی کائنات، یا در مکان ناشناخته ای که هر شامگاه خورشید در آنجا غروب میکند و ظلمات را بدنبال خود می آورد قرار داشت. در این دیار خاموشان همه مردگان مرد و زن و نکوکار و شریر در کنار هم بسر میبردند و امتیازی بریکدیگر نداشتند، زیرا پاداش و کیفر افراد در همین دنیا و همین زندگی داده میشود. کسی که بیشتر و بهتر به فرامین و دستورهای یهوه اطاعت میکرد (و نه کسی که نکوکارتر و پاکتر بود) از زندگی درازتر و رفاه زیادتری برخوردار میشد و کسی که در پیروی از اوامر یهوه قصور میکرد به مرگ زودرس گرفتار می آمد (کتاب مزامیر، مزمور دهم، ۲۷، مزمور یازدهم، ۹، مزمور هفتاد و سوم، ۱۸، کتاب ایوب، باب بیست و هفتم، ۷) در مورد پاداش و کیفر دسته جمعی قوم یهود نیز به همین ترتیب عمل میشد: "اگر به فرانس من سلوک نمایند و اوامر مرا بجا آورید آنگاه باران های شما را در موسم آنها خواهم داد و زمینان محصول فراوان خواهد آورد و درختانتان میوه خوب خواهند داد و خرمن شما تا رسیدن انگورتان کوفته خواهد شد و نان خود را به سیری خواهید خورد و دشمنان خود را دنبال خواهید کرد و همه را به شمشیر خواهید کشت، و من نیز بر شما انتقادات خواهم کرد و در میان شما خواهم خرامید و خدای شما خواهم بود" (سفر لاویان، باب بیست و ششم، ۳-۱۲) . و اگر فرانس مرا آنطور که فرموده ام بجانی آورید، برایتان خوف و سل و تب خواهم فرستاد و آسمانتان را مثل آهن و زمینتان را مثل مس خواهم کرد و حوش صحرا را بر شما خواهم فرستاد تا شما را بی اولاد کنند و حیواناتتان را به هلاکت رسانند، و ده زن نان شمارا در یک تنور خواهند پخت، گوشت پسران خود را خواهید خورد و گوشت دختران خود را خواهید خورد و شمشیر را در عقب شما خواهم کشید" (سفر لاویان، باب بیست و ششم، ۱۵-۳۳).

اعتقاد به بقای روح و جهان بعد از مرگ و روز حساب و بهشت و دوزخ تنها در دوران آشنائی یهودیان با ایران زرتشتی و حکومت دویست ساله هخامنشی بر سرزمین فلسطین در دین یهود راه یافت.^۱ در این برداشتهای تازه

^۱ - به فصل مربوط به تاثیر معتقدات زرتشتی در آیین های توحیدی مراجعه شود.

گناهکاران درجهان دیگر درمرگ ابدی باقی میمانند، ولی ثوابکاران به بهشتی میرفتند که نظیر باغ عدن آفرینش چهار رودخانه داشت: یک رود غسل برای پیغمبران اسرائیل، یک رود شیر برای کودکان اسرائیل، یک رود شراب برای شیوخ مذهبی اسرائیل و یک رود روغن برای سایر مومنین یهود. دراین بهشت محرابی وجود داشت که درتمام مدت داود پیغمبر درآن به نواختن عود و خواندن سرود های مزامیر مشغول بود.^۲

درانجیل تقسیم ارواح مردگان به دو گروه نیکان و بدان، که براساس آن نیکان به بهشت میروند و بدان به دوزخ، درروزی بنام روز قیامت یا روز حساب انجام میگردد که برای نخستین بار درانجیل متی از آن سخن رفته است:

“... درآنروز پسر انسان (عیسی) برتخت پادشاهی خود خواهد نشست، و تمام مردگان درحضور او گرد خواهند آمد و وی آنان را به دو گروه آمرزیدگان و ملعونان تقسیم خواهد کرد. آنگاه به آناتیکه درسمت راست او هستند خواهد گفت: ای کسانی که از جانب پدر من برکت یافته اید، بیانید و وارث آن پادشاهی شوید که از آغاز آفرینش عالم برای شما آماده شده است، زیرا که شما وقتی گرسنه بودم به من خوراک دادید، وقتی تشنه بودم آب دادید، وقتی برهنه بودم مرا پوشانید و وقتی غریب بودم مرا به خانه خود بردید. و نیکان پاسخ خواهند داد: ای خداوند، ما ترا هیچوقت گرسنه یا تشنه یا برهنه و یا غریب ندیدیم که چنین کرده باشیم، ولی عیسی درجواب خواهد گفت: بدانید که آنچه به یکی از کوچکترین برادران من کردید به خود من کردید. و پس از آن به ملعونان خواهد گفت: ازمن دور شوید و به آتش ابدی که برای ابلیس و شیاطین او آماده شده است بروید، زیرا که وقتی که گرسنه بودم به من خوراک ندادید، وقتی تشنه بودم به من آب ندادید، وقتی برهنه بودم مرا نپوشانید و وقتی غریب بودم به من مسکن ندادید و آنان جواب خواهند داد: کی ما ترا گرسنه یا تشنه یا غریب و یا عریان دیدیم و کاری برایت نکردیم؟ ولی عیسی خواهد گفت: بدانید که آنچه از کوچکترین برادران من مضایقه کردید ازمن مضایقه کردید. پس ازآن، نیکان به حیات جاودانی وارد خواهند شد و بدان به کیفرابدی خواهند رسید“ (متی، باب بیست و پنجم، ۳۱-۴۵).

دررساله “مکاشفه پطروس رسول” که کلیسا آنرا درمتون رسمی عهد جدید منظور نداشته است، ولی نمایانگر گویایی از معتقدات اولیه مسیحیان درباره بهشت و جهنم است، دوزخ سرزمینی ظلمانی توصیف شده است که درآن رودهای ازآتش جاری است و دریایی از آتش گناهکاران را دردرون خود جای داده است، و سیاهچالهانی درآن وجود دارند که درآنها دوزخیان درمعرض نیش مارها و عقربها قراردارند و درمیان خون و نجاست و مدفوعات متعفن بسیر میگردند که زنان گناهکار تا گلو درآن فرو میروند، و گاه نیزاین گناهکاران دردریایی از یخ جای دارند. دربرخی ازرساله های عهد جدید مسیحیاتی که تمعید گرفته اند درکیفرگناهان خوداز امتیازات خاصی برخوردارند، یعنی مستقیماً درجهنم جای داده نمیشوند، بلکه درمکانی به نام برزخ که حکم پیشخوان جهنم را دارد متوقف میشوند، تا شاید بعداً مورد بخشش قرار گیرند. کلیسای کاتولیک که روزی خاص بنام روز ارواح دارد عقیده دارد که از راه صدقه و دعای بستگان میتواند برای نجات این برزخیان بدرگاه خداوند شفاعت کند. باین همه این کلیسا عقیده “اورینگس” قدیس قرن سوم را که سرگردانی ابدی این برزخیان با بخشش و رحمت الهی مسیحیت سازگار نیست و اینان سرانجام جملگی بخشیده خواهند شد نپذیرفته و حتی او را متهم به بدعت کرده است.

درباره بهشت و ماهیت آن درعهد جدید توضیح مشخص داده نشده است. درانجیل لوقا یکباراز قول عیسی آمده است که به مردی که همزمان با او به صلیب کشیده شده، “امروز بامن درفردوس خواهی بود” (لوقا، باب بیست و سوم، ۴۳). دررساله دوم به قرننویان، پانولوس مینویسد: من شخصی رامیشناسم که چهارده سال پیش به آسمان سوم بالا برده شد و میدانم که این مرد به بهشت برده شده بود” (فصل دوازدهم، ۲-۳). کاملترین توصیف بهشت مسیحی را درعهد جدید درنامه اول پانولوس به تسالونیکان میتوان یافت:

“ما این را به حکم خدا به شما میگوئیم: آن کسانی از ما که تا روز آمدن خداوند زنده میمانند زودتر از مردگان صعود خواهند کرد، بلکه درهمان وقت که فرمان الهی صادر میشود و رئیس فرشتگان ندا درمیدهد و شیپورخدا به صدا درمی آید خود خداوند از آسمان به زیر خواهد آمد و آنگاه کسانی که درایمان به مسیح مرده اند زودتر

^۲ - در حماسه بابلی گیلگمش نیز، پادشاه و پهلوان داستان درپایان زندگی وارد باغی آسمانی میشود که درخت خدایان درمرکز آن قرار دارد و شاخه های آن از فیروزه ساخته شده اند.

از دیگران بخواهند خاست. سپس آن هائی که در میان ما هنوز زنده مانده اند همراه با آنان در ابرها بالا برده خواهند شد تا در آسمان با خدا ملاقات کنند. از آن پس ما همیشه در کنار خداوند خواهیم بود. (رساله اول پانولوس رسول به تسالونیکان، باب چهارم، ۱۶-۱۷).

در قرآن در ۳۰ سوره ۷۰ آیه از روز قیامت به تفصیل یاد شده است. این روز که معادل با پنجاه هزار سال زمینی است با صور اسرافیل آغاز میشود (ابراهیم، ۷۳، کهف، ۹۹) و به دنبال آن دگرگونی عظیمی در کائنات صورت میگیرد که توصیف آن در سوره تکویر چنین آمده است: “آنگاه که خورشید فروغ خود را از دست بدهد، وستارگان تاریک شوند، و کوهها از جای کنده شوند، آنگاه که شتران آبستن به حال خود رها گردند، و حیوانات وحشی بدور هم گرد آیند، و دریاها به جوشش در آیند، و ارواح با یکدیگر در آمیزند، آنگاه که نامه اعمال کسان گشوده شود، آسمان جای خود را عوض کند، و تئوردوزخ فروزان گردد، و بهشت نزدیک آورده شود، هر روانی خواهد دانست که بابت چه اعمالی میباید جواب پس بدهد” (تکویر، ۱-۱۳) و در سوره بعد از آن، افزوده شده است که “آنگاه که آسمان بشکافد، و ستارگان پراکنده شوند، و دریاها از مرزهای خود فراتر روند، و تابوتهای مردگان و ازگون گردد، هر روانی بر آنچه از خوب و بد کرده است آگاهی خواهد یافت” (انفطار، ۱-۵). در این روز که روزی و حشتاک (انعام، ۱۵)، روزی پر رنج (هود، ۲۶)، روزی پر حسرت (مریم، ۳۹)، روز بازماندگان دیدگان از بینائی (ابراهیم، ۴۲)، روزی دشوار (قمر، ۸)، روز موعود (بروج، ۲)، روزی برگشت ناپذیر (روم، ۴۳) خوانده شده است. همه مردگان از گورهای خود برخاستند (ق، ۴۲)، و به پای ترازوی حساب برده خواهند شد (لقمان، ۳۳) تا ثوابها و گناهان آنان سنجیده شود (مومنون، ۱۰۲-۱۰۴). آنگاه بدنبال یک داوری عادلانه که ذره ای در آن تخلف نمیشود گروهی از آنان برای همیشه به بهشت خواهند رفت و گروهی دیگر به دوزخ خواهند افتاد تا بصورت ابدی در آن بمانند (بقره، ۴۸).

مسیر ارواح در رفتن به بهشت یا دوزخ، پلی است که در قرآن “صراط الجحیم” نامیده شده است و در اصطلاح جاری بدان پل صراط میگویند (صافات، ۲۲). هنگام عبور بهشتیان این پل صورتی پهن و زمینی نرم و هموار دارد، ولی در موقع گذشتن دوزخیان به باریکی یک مو به تیزی یک شمشیر درمی آید.

نزدیک به سیصد بار در قرآن از دوزخ بصورت جهنم و جحیم نام برده شده (که هر دو اصطلاح از تورات گرفته شده اند).^۳ در همه آیات، از آتش سوزان و تنور گداخته و شعله های فروزان دوزخ سخن رفته است، و از اینکه دوزخیان جاودانه در این آتش خواهند ماند و هرگز از آن رهائی نخواهند یافت. دیوارهای دوزخ از آتش ساخته شده اند و درون آنها آکنده از زیاد سوزنده و آبهای خروشان و دود غلیظ است (واقع، ۴۲-۴۴)؛ دست و پای هر دوزخی در زنجیری هفتاد زرعی بسته شده است که با آن به آتش کشانده میشود (حاقه، ۳۰) و بر سرش آب جوشان ریخته میشود (دخان، ۴۷) و گرز آهنین کوفته میشود (حج، ۱۹) و آتش از بالا و پائین و از همه سوار در میان میگیرد (عنکبوت، ۵۴)، جامه او از آتش است (حج، ۲۲) و چهره او نیز از آتش پوشیده شده است (مومنون، ۱۰۳)، و هر زمان که پوست تنش در آتش بریان شود پوستی تازه برای او میروید تا عذابش ادامه یابد (نساء، ۵۶). دوزخی میکوشد تا از شعله های آتش بگریزد، اما هربار ملانک جهنم بدو بانک میزنند که بجای خود باز گردد و عذاب دوزخ را بچشد (سجده، ۲۰). در اعماق دوزخ درختی تلخ رونیده است که میوه هائی بشکل سرهای شیطان دارد و دوزخیان این میوه ها را میخورند و روده هایشان در شکمها پاره میشود (صافات، ۶۲) و هنگامی که از تشنگی فریاد برمی آورند، مأموران دوزخ بدانان آبی چرکین مینوشانند که عطششان را زیاد تر میکند (ابراهیم، ۱۶). و چون از خداوند درخواست خروج از دوزخ را میکنند تا گناهان گذشته خویش را جبران کنند، خداوند بدانان پاسخ میدهد که عذاب آنان هرگز فروکش نخواهد کرد، و مرگ تازه ای نیز برایشان مقدر نخواهد شد، زیرا که برای ستمکاران یاریاوری نیست (فاطر، ۳۷).^۴

^۳ - دره جهنم در نزدیکی اورشلیم دراصل از مراکز پرستش مولوخ خدای بزرگ کنعانیان بود که در دوران استیلای رومیان محکومان به مرگ در آنجا به صلیب کشیده میشدند. نام این دره از مالک اولیه آن بنام هنم گرفته شده بود که بعدا بصورت جهنم درآمد و مرادف با دوزخ شناخته شد.

^۴ - در میتولوژی آشوری که احتمالا منبع اصلی دوزخ های “توحیدی” است، دوزخ در زیر زمین قرار دارد و دارای هفت طبقه است که دوزخیان بر حسب طبقه بندی گناهان خود در آنها جای دارند، و هفت حصار بردور آن کشیده شده است. خوراک دوزخیان خاک و گل است، و راه ورود بدان رودخانه ای است که رود ظلمت نامیده شده است.

۱۳۵ بار نیز از بهشت به صورت جنت و جنات، ۱۰ بار به صورت عدن و دوبار بصورت فردوس نام برده شده است.^۵ در همه این موارد بهشت مفهوم باغی بزرگ را دارد که بهشتیان زندگانی آن جهانی خود را جاودانه در آن میگذرانند و از نوع لذایذ جسمانی برخوردارند. این باغ درقرآن بصورت دارالسلام (خانه آرامش) و مقعدالصدیق (نشیمنگاه راستی) و جنات خلد (باغ های ابدی) توصیف شده است، که پهنای آن باندازه آسمان و زمین است (آل عمران، ۱۳۳) و درمکانی بسیار بالا جای دارد (حاقه، ۲۲) و درآن جوی های بسیار (بقره، ۲۵) و چهار رودخانه اصلی (محمد، ۱۵) جریان دارند و چشمه ها از زمین میجوشند (حجر، ۴۵) و چمنزارهای آن همواره به گل آراسته اند (روم، ۱۵). میهمانان بهشتی (بقره، ۸۲) دراین سرای جاودانی ازسعادت ابدی برخوردارند (نساء، ۱۳) و از پاداشی بیکران بهره میبرند (مانده، ۹). میوه های بهشتی همواره در دسترسشان است (یس، ۵۷) و نوشیدنی های فراوان (صافات، ۴۵) و شراب پاک (مطففین، ۲۵) که توسط حوریان بر آنها عرضه میشود (دخان، ۴۴)، حوریانی سپید اندام و فراخ چشم (طور، ۲۰)، به لطافت مرواریدهانی درصدف (واقعه، ۲۳) که درکنارشان زیر سایبانها می آراند (یس، ۵۶) و پیش از آن دست هیچ جن یا آدمی بدانان نرسیده است (الرحمن، ۵۶) و به زیبایی یاقوت و مرجانند (الرحمن، ۵۸)، و همیشه باکره اند (واقعه، ۳۶)، و نیز پسرانی جوان (غلمان) که درجامها و صراحی هاباده گوارا که درد سر نمی آورد و میوه هانی ازهرقسم که برگزینند و گوشتهای پندگان ازهرنوع که خواسته باشند برآنان دور میگردانند (واقعه، ۱۷-۲۱).

بهشتیان جامه هانی ازاستبرق سبز برتن و دستبندهای زرین در دست دارند (کهف، ۳۱) و برتخت هانی نشسته اند که فرشهایی زیبا بر آنها گسترده است، بر بالشهایی ازحریر سبز تکیه میزنند (رحمن، ۷۶)، درکنار حوریانی درشت چشم و کوتاه نگاه (که جز به مصاحبشان نمیگردند) و گویی دیدگانشان بیضه های درپرده پوشیده ماکیانند (صافات، ۴۸، ۴۹).^۶

^۵ - این کلمه فارسی، بهمین صورت، هم درتورات، هم درانجیل و هم درقرآن آمده است. درغزل غزلهای سلیمان گفته شده است: "عروس من فردوسی است که درهائش بسته است" (غزل غزلها، باب چهارم، ۱۲)، و درانجیل آمده است: "... و عیسی دربالای صلیب به او گفت امروز بامن درفردوس خواهی بود" (لوقا، باب بیست و سوم، ۴۳)، "میدانم که این مرد به فردوس برده شد" (رساله دوم پائولوس به قرنتیان، باب دوم، ۴)، "کسی که رستگاری شود از درخت زندگانی که درفردوس خدا میروید خواهد خورد" (مکاشفه یوحنا، باب دوم، ۷). درقرآن دردو سوره استری، آیه ۱۰۷ و مومنون، آیه ۱۱، این کلمه به همین صورت فردوس بکار رفته است.

^۶ - غزالی دراحیاء علوم الدین، اثر معروف و معتبر خود، ازقول پیامبر اسلام نقل میکند که به هر مرد مسلمانی که به بهشت میرود دقیقاً چهار صد حوری باکره و پانصد حوری دست دوم و هشت هزار بیوه برای همسری تعلق میگیرد (جلد چهارم، چاپ قاهره، ۱۳۴۸ هجری).